



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۱۵

جليل غنی هروی

## زعامت ملی ضامن صلح و ثبات

بن بست نظامی در میدان نبرد در افغانستان، بار آور مصائب و ویرانی ها و روزانه باعث قربانی شدن صد ها نظامی و غیر نظامی میگردد. این بن بست، متحدین و حامیان بین المللی افغانستان را نیز نه تنها خسته و درمانده ساخته، بلکه باعث عدم محبوبیت رهبران این کشور ها در کشورهای شان شده است. ملیارد ها دالر سرمایه این کشور ها در افغانستان به مصرف رسیده بدون این که ثمر چشمگیر داده باشد. هر یک از این کشور های که درین جنگ ویرانگر دخیل هستند ده ها، صدها و حتی هزاران دختر و جوان خود را در مبارزه بر ضد دهشت افگنی و دفاع از منافع و امنیت ملی شان قربانی داده اند. دو روز قبل اعلام شد که از سال 2015 تا کنون بیش از 28 هزار و 529 نفر از نیرو های امنیتی کشور در خشونت ها کشته شده اند. در یک گزارش دیگر که ماه قبل نشر گردید شمار تلفات نظامیان و غیر نظامیان را در چهار سال جنگ های افغانستان 40 هزار نفر گفته بود. همین اکنون که این مقاله تقدیم میگردد در ده ولایت افغانستان جنگ جریان دارد، در غزنی و اورزگان هزاران خانوار درین ایامی که سردی زمستان با پوست و استخوان احساس می شود از آشیانه های شان فرار نموده و بی خانه شده اند.

هر زمانیکه سخن از صلح و امکان مذاکره درین راستا می رود، جنگ ها هم شدت میگیرد و هر جانب در گیر این نبرد بی پایان و خانمانسوز، تلاش دارد موقف بهتری برای چانه زدن در میز مذاکره داشته باشد. از دو ماه به این طرف ایالات متحده که بیشترین سرباز در افغانستان دارد و تا کنون در هفده سال گذشته در حدود یک تریلیون دالر در افغانستان کمک نظامی و غیر نظامی نموده و تنها سالانه چهار ملیارد دالر در بخش نظامی کمک میکند، در تلاش کشاندن طالبان به میز مذاکره است. داکتر زلمی خلیلزاد سیاستمدار کاملاً آشنا با جریانات سیاسی افغانستان و شناختی که از تمام اشخاص و گروه های مطرح در معضله افغانستان و همچنان فرهنگ کشور زادگاهش دارد، از طرف حکومت دونالد ترامپ موظف به پیشبرد مذاکرات صلح با طالبان گردیده است. او تا کنون دو بار به افغانستان، پاکستان، عربستان سعودی، قطر و دوبی سفر کرده و درین سفر ها نه تنها نظریات حکومت ها را جمع آوری نموده، بلکه با شخصیت های مطرح و احزاب و جریان های سیاسی مختلف نیز دیدار های داشته و موقف های آنها را نیز جمع آوری نموده است.

طالب ها از همان آغاز اصرار داشتند که با حکومت افغانستان مذاکره نخواهند کرد و آنرا یک حکومت دست نشانده می خوانند. حتی درین اواخر که موقف نرم تری نیز اتخاذ کرده اند، می گویند که با شخصیت های سیاسی و احزاب سیاسی مطرح مذاکره خواهند کرد نه با حکومت افغانستان، آنهم بعد از آنکه با ایالات متحده در مورد خروج قوایش از افغانستان به نتیجه برسند. از شش ماه به این طرف تماس های مستقیم بین طالبان و مامورین ایالات متحده صورت گرفته و حتی طالب ها ادعا میکنند که با شخصیت ها و احزاب سیاسی افغانستان نیز تماس های داشته اند.

درین میان آنچه که دیده نمی شود حضور حکومت افغانستان است که از جریان مذاکرات و گفت و گو ها با جناح مخالف و کشورهای همسایه، از طریق ملاقات با داکتر زلمی خلیلزاد با خبر می شوند. گر چه ایالات متحده رسماً اعلام نموده که مذاکرات صلح با طالبان باید به رهبری افغانها و مالکیت افغانها باشد و همین امروز چهار شنبه 14 نومبر هیدر ناورت سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت: «می توانم برای تان بگویم که پشتیبانی از یک روند صلح به رهبری افغان ها و از آن افغان ها، راه کار ما است»

تلاش برای آوردن صلح در افغانستان با آغاز کار داکتر زلمی خلیلزاد داغتر و سریعتر گردیده و در دومین دور سفرش به افغانستان که درین هفته آغاز گردید، پس از مشوره و رایزنی با شخصیت ها و سازمانها و طالبان و همکارانش، با نظریات جدیدی برای پیشبرد این مذاکرات به منطقه آمده است. وال استریت ژورنال روزنامه

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولی

معتبر امریکائی دیروز 13 نومبر در گزارشی از خبرنگاران اش در کابل نوشت که این نظریات سه گزینه را احتوا می کند:

- فشار آوردن به حکومت افغانستان برای به تعویق انداختن انتخابات ریاست جمهوری. که نوعی شتاب زده گی ایالات متحده را برای شکستن بن بست درین جنگ نشان می دهد که سه رئیس جمهور امریکا را مشغول ساخته است.
- انتخابات ریاست جمهوری با این تفاهم دایر گردد که رئیس جمهور جدید به طور مؤقت تا زمانی کار میکند که جناح های در گیر جنگ، برای تشکیل یک حکومت ائتلافی شامل طالبان، موفق می گردند.
- دایر نمودن یک مجمع خاص رهبران افغانستان (لویه جرگه) که حکومت مؤقت را انتخاب خواهند کرد که تا زمان موافقه جناح های در گیر جنگ روی پلانی برای خاتمه دادن به این جنگ در افغانستان، کار نماید. قدرتمندان سیاسی به شمول حامد کرزی رئیس جمهور پیشین برای تدویر چنین مجمع (لویه جرگه) فشار می آورند.

حکومت افغانستان طرح التوای انتخابات ریاست جمهوری را از طرف داکتر خلیل زاد رد میکند و بر دایر نمودن انتخابات مطابق به قانون اساسی در وقت و زمان معین آن تاکید دارد. ولی سایر منابع و مراجع و اشخاص آگاه در کابل طرح این نظریات را با حکومت افغانستان تائید می کنند. ایالات متحده امریکا بر همان موقف قبلی رسمی خود تاکید دارد که به دایر نمودن انتخابات متعهد است. هیدر ناورت سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده روز چهار شنبه گفت:

«یکی از موارد مهم برای ما این است که ما به روند انتخابات متعهد استیم. اگر هرگونه تغییری در زمان بندی انتخابات به میان بیاید، تصمیم آن به گونه کامل به افغانستان مربوط خواهد بود و این چیزی است که ما در آن مداخله نخواهیم کرد.»

او با اشاره به سفر زلمی خلیل زاد، نماینده خاص ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان به کابل گفت که سفر آقای خلیل زاد که دوبار انجام شد نشان دهنده تعهد امریکا برای صلح دوامدار در افغانستان است.

هر مذاکره و مفاهمه و موافقه برای ختم جنگ بین جناح های در گیر، هم زمان گیر است و هم شرایط و زمینه سازی های دشوار دارد. قبل از همه باید نقاط نظر مشترک طرفین در گیر و موقف ها و موضع گیری های دو جانب تثبیت و عملی شدن یک آتش بس گردد تا بر مبنای آن خطوط اساسی مذاکره ترسیم گردد.

موقف طالبان از همان آغاز سر و صدا ها برای آوردن صلح و مذاکره با آنها، این بوده که با حکومت افغانستان مذاکره نخواهند کرد و تنها با ایالات متحده در مورد صلح مذاکره خواهند نمود. ایالات متحده هم از همان آغاز تاکید داشته که طالبان باید با حکومت افغانستان مذاکره کنند ولی حالا دیده می شود که ایالات متحده تغییر موقف داده و مذاکره با طالبان را آغاز کرده و می گوید وظیفه ایالات متحده سهولت بخشیدن به آغاز مذاکره بین طالبان و حکومت افغانستان است.

ایالات متحده امریکا و سایر دوستان بین المللی افغانستان هراس دارند که اگر تحت شرایط فعلی و بحرانی که در داخل حکومت افغانستان وجود دارد، فساد از یک طرف بیداد میکند و بی قانونی از جانب دیگر و بی کفایتی کمیسیون های انتخابات از سوی دیگر و تخطی ها و آشوبهای سیاسی که با هر انتخابات بروز نموده و مشروعیت انتخابات را زیر سوال می برد، دایر نمودن انتخابات در تحت چنین فضائی نه تنها که به تأمین صلح و ثبات و پیشبرد مذاکرات صلح کمکی نخواهد کرد، بلکه کوشش های ایالات متحده و متحدین دیگر افغانستان را در جامعه بین المللی یا در نطفه خفه خواهد نمود و آنرا فلج خواهد ساخت و یا هم آنرا تخریب خواهد کرد. روی همین دلیل است که آقای خلیل زاد سه گزینه را پیش روی حکومت افغانستان قرار داده و با شخصیت ها و احزاب سیاسی افغانستان هم رای زنی نموده چنانچه احزاب سیاسی نظر التوای انتخابات ریاست جمهوری را تائید کرده اند.

سوالات دیگری که مطرح میگردد این است که بالفرض اگر انتخابات ریاست جمهوری دایر میگردد آیا کمیسیون مستقل انتخابات، که امتحانش را در انتخابات پارلمانی داد و نا کام مطلق از این امتحان بدر آمد، توانائی دایر نمودن و نظارت از انتخابات ریاست جمهوری را هم زمان با انتخابات شورا های ولایتی و ولسوالی ها خواهد داشت؟ و آیا باز هم بحران دیگری دامنگیر افغانستان خواهد شد؟ و آیا باز هم حکومتی تشکیل خواهد شد که از مشروعیت کامل بر خور دار باشد و مانند انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 آرای گوسفندی دران نقش تعیین کننده نداشته باشد. همین اکنون در انتخابات پارلمانی شاهد دست بازی ها و تقلب های وسیع حتی بردن صندوق های رای به خانه های اشخاص با نفوذ هستیم و با تعجب و حیرت اینکه در نواحی پایتخت افغانستان، در کابل در زیر ریش کمیسیون مستقل انتخابات و ناظرین و قوای امنیتی، به منازل اشخاص با نفوذ برده شد و پُر شد. تا انتخابات ریاست جمهوری پنج ماه دیگر باقی مانده درین پنج ماه حکومت افغانستان چه معجزه ای کرده می تواند که از چنین تقلب ها و زور گوئی ها به تواند جلو گیری نماید.

و باز هم با چنین بی سر و سامانی و قانون شکنی ها و نقاضت های گوناگون ثمره ای چند سال اخیر، که هیچ یک از تبار ها و اقوام و نژاد ها و مذاهب و مناطق و سمت ها کمتر از ریاست جمهوری و معاونیت ریاست جمهوری به موفق کمتری قناعت ندارند، و با پیروی از سنت قانون شکنی با تشکیل حکومت وحدت ملی، باید هر کاندید ریاست جمهوری سه معاون داشته باشد، می توان به نتیجه قابل قبول برای مردم افغانستان رسید. در حالی که تا کنون نه احزاب و جریان های سیاسی و نه هم افراد به اصطلاح مستقل به توافقی برای کاندید نهائی شان نرسیده اند و جز چهره های معلوم الحال و شناخته شده ای قبلی که از سی سال به اینطرف ملت را گروگان گرفته اند و به هیچ کسی مهلت تبارز و خدمت گذاری را نمی دهند، می توان به نتیجه مطلوب تشکیل حکومتی ملی و خادم ملت که ملت برای آن قربانی داده و می دهد، رسید؟ اگر احتمال تبارز نیرو های ملی و تشکیل یک حکومت ملی مطابق خواست مردم، نه یک حکومت تنظیمی، تباری و منطقوی و سمتی می رود، انتخابات اصل اساسی یک نظام مردم سالار است و حق مسلم مردم است و حق دارند که چنین حکومتی داشته باشند.

با تاسف کسانی که از چهل سال به این طرف مصدر خدمت شایانی برای ملت افغانستان نشده اند و اگر به سابقه هر یک از این جریان ها و تشکل های سیاسی نظر مختصری اندازیم، در می یابیم که اکثریت آنهاجریان های هستند که حتی در زمان رژیم شاهی و بعد از آن در دوران حکومت جمهوری داود خان هم، که تازه شروع به فعالیت سیاسی کرده بودند، در مرانامه ها و اصول مبارزاتی آنها شمه از تعلقات ملی وجود نداشت. یا این مرانامه ها شکل قومی و مذهبی داشت و دارد و یا سمتی و زبانی، و هر یک از این جریان ها ادعای نمایندگی از مردم افغانستان را میکنند، همانطوری که هم اکنون چنین ادعای دارند. بسیاری این جریان های سیاسی در دوران مقاومت مردم متدین و آزادی دوست افغانستان در برابر حکومت حزب دموکراتیک خلق و متعاقب آن تهاجم نظامی اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان، یا در پاکستان و یا هم در ایران بر مبنای مقتضای زمان تشکل داده شدند. ولی در پهلوی آنها جریان ها و احزاب دیگری هم وجود دارند که سابقه طولانی در مبارزات سیاسی دارند.

هدف از یاد آوری این تشکیلات آنست تا از ماهیت اصلی این جریان ها و احزاب و تنظیم ها مثال زده شود. وقتی به کنه و هدف تشکیلاتی آنها نظری انداخته می شود دیده می شود که هیچ یک از جریان های سیاسی، که اکنون رهبران آنها به نام «نخبگان سیاسی» یاد می شوند، سیما و قبا ی ملی دیده نمی شود. یا مذهبی هستند و یا قومی، یا منطقوی هستند و یا سمتی، یا نژادی هستند و یا جریانهای هستند که بر حسب ضرورت دیگران و خارجیان در زمانی که جنگ در افغانستان در مقابل تهاجم اتحاد شوروی سابقه جریان داشت، تشکیل گردیدند. حتی همین اکنون هم مبارزات آنها برای دفاع از منافع گروهی، قومی و نژادی و مذهبی و سمتی است نه منافع ملی.

برای پایان دادن به چنین بحران ها و ترسیم آینده بهتر و قانونمند و بیرون کشیدن افغانستان از چنین نا بسامانی ها، نظریات و پیشنهادات گوناگون درین روز ها در رسانه های اجتماعی و نشرات داخلی و بیرون مرزی دیده می شود.

نظر های که داکتر خلیل زاد به شمول دایر نمودن کنفرانسی مشابه کنفرانس بُن در سال 2001 ارائه کرده که نظام سیاسی افغانستان را پایه گذاشت، راه را برای تشکیل یک حکومت با قاعده وسیع باز میکند. در کنفرانس پیشنهادی طالبان نیز اشتراک خواهند داشت. غیبتی که در کنفرانس بن در سال 2001 مشکل را شد. چنین کنفرانسی در صورتی مثمر خواهد بود که نخست مذاکرات صلح با طالبان نتیجه بدهد و جوانب به توانند دور یک میز نشسته و به صلح و ختم جنگ متعهد شوند. اما همانطوری که گفته شد حکومت فعلی افغانستان مورد تائید طالبان نیست و با آن مذاکره نخواهند کرد. التوای انتخابات ریاست جمهوری و یا تشکیل حکومت مؤقت تا تامين صلح می تواند به تشکیل ساختار سیاسی و نظامی گردد که حیثیت زعامت ملی را داشته باشد و هم مورد تائید ملت و هم از مخالفین دولت افغانستان باشد. همانطوری که جامعه جهانی در رأس ایالات متحده امریکا حقیقت وجود طالبان را پذیرفت و با آنها داخل مذاکرات مستقیم شد، دولت افغانستان هم باید به صدای مردم و جریان های سیاسی که در هر گونه ساختار سیاسی افغانستان نقش دارند، گوش دهد و راه های سالم مطابق به منافع ملی افغانستان را حمایت نماید.

به امید روزی که ملت افغانستان بتواند به کمک نیرو های ملی، دولتی را تشکیل دهد که همه اقشار و تبار ها و اقوام و نژاد ها حضور ملموس شانرا در چار چوب یک نظام واقعی مردم سالاری به بینند و دیگر نه اشک مادری و پدری و یتیمی بریزد و نه نوای بیوه زنی و صدای انفجاری و خبر انتحاری شنیده شود.

پایان